

تأثیر ژئوپلیتیک در رخوت همگرایی اکو و بالندگی آ.سه.آن

دکتر علی امیدی^۱

شماره مقاله: ۱۶

چکیده

رقابتهای ژئوپلیتیک نقش بسیار مهمی در همگرایی و واگرایی گروهبندیهای منطقه‌ای ایفا می‌کند. فلسفه ایجاد آ.سه.آن و اکو بسیار به یکدیگر شبیه است، هر دو سازمان با هدف دوری جستن از کمونیزم و با تشویق غرب تأسیس و تداوم یافتند. ولی پویایی این دو سازمان در طول زمان تا حدودی متفاوت بوده است. در مجموع کارنامه آ.سه.آن در ابعاد مختلف خصوصاً بعد اقتصادی درخشان‌تر از اکو است. به دلیل تفاوت موقعیت ژئوپلیتیک این دو منطقه، قدرتهای بزرگ گرایش بیشتری به مداخله در منطقه اکو از خود نشان داده اند. منافع قدرتهای بزرگ جهان با منافع ایران در افغانستان، آسیای مرکزی و قفقاز همخوانی ندارد و این امر عامل منفی در فرایند همگرایی اکو ایفا می‌نماید. علی‌ایحال، اگر اکو در برنامه‌های اقتصادی خود موفق عمل کند دخالت منفی قدرتهای خارجی تحت الشعاع آن قرار خواهد گرفت. ژئوپلیتیک آ.سه.آن به گونه‌ای است که قدرتهای بزرگ در آنجا دچار درگیری منافع نیستند. از طرف دیگر، کشورهای آ.سه.آن نیز با منافع قدرتهای بزرگ رقابت و تضاد ندارند و این امر نقش قدرتهای بزرگ را در همگرایی آ.سه.آن مثبت کرده است. مقاله حاضر، در تلاش است، به روش تحلیلی و مقایسه‌ای زمینه‌های همگرایی و واگرایی را در میان اعضای اکو و اتحادیه آ.سه.آن مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: همگرایی، ژئوپلیتیک، اکو، آ.سه.آن، نظام منطقه‌ای

مقدمه

تأثیر عوامل سرزمینی بر رفتار سیاسی دولتها موضوعی قدیمی است که از دوران باستان به آن توجه شده است. به عنوان مثال، ارسطو معتقد بود که بهترین موقعیت جغرافیایی برای یک کشور زمانی فراهم می‌شود که اراضی آن جلگه‌ای بوده و توسط بلندیهای محصور شده باشد. یا فردریک راتزل، دانشمند آلمانی در قرن نوزدهم معتقد بود که دولت به معنی واقعی کلمه، شبیه گیاه است و شامل فرایندهای بیولوژیکی گیاهان و جانداران می‌گردد. ریشه دولتها در خاک (جغرافیا) قرار دارد و هر دولت برای بقا و بهتر زیستن باید خاکهای مرغوب را تسخیر کند یا آنها را تحت نفوذ خود در آورد (Haggman, www.algonet.se). بنابراین، جغرافیا و رفتار سیاسی دولتها از یکدیگر جدایی‌ناپذیر هستند اما آنچه جوهره اصلی تحلیلهای ژئوپلیتیک است همان رابطه قدرت سیاسی بین‌المللی با محیط جغرافیایی است. رویکردهای ژئوپلیتیک با نوع چینش مهره‌های شطرنج جهانی و بسته به برداشت دولتها از ماهیت این تحول تغییر می‌پذیرند. مکان جغرافیایی کشورها به عنوان محیط نهادی دولت، محدود کننده و در بعضی مواقع تعیین کننده رفتارهای سیاسی است. یعنی اینکه دولتمردان و سیاستمداران مجبورند در چارچوب عوامل جغرافیایی عمل نمایند. مکان جغرافیایی برای دولتها در راستای سیاستهای آنها چالش یا فرصت ایجاد می‌کند. به کلام ساده، رابطه محیط با قدرت و سیاست در این نکته نهفته است که یک قدرت و دولت در یک مکان جغرافیایی خاص تا چه حد در زمان خاصی توانایی انتقال، استفاده و کاربرد بهینه از قدرت را دارد. دولتها به عنوان بازیگران اصلی صحنه سیاست بین‌الملل در داخل یک محیط جغرافیایی عمل می‌کنند و به نوعی در یک محیط محصور هستند. این محصور بودن گاهی اوقات رفتارهای سیاسی خاصی را بر دولتها دیکته می‌کند (Wikipedia, Geopolitics).

جغرافیا به نحوه آرایش پدیده‌ها روی سطح زمین و نحوه ترکیب آنها با توجه به مناطق مربوط است. جغرافیا بر کلیه پدیده‌های انسانی و غیر انسانی، محسوس و نامحسوس که از ابعاد و تغییرات مکانی بر روی یا در رابطه با سطح زمین برخوردارند تأثیر می‌گذارد. هر دولتی از جایگاه مکانی خاصی در سطح زمین برخوردار است که دارای ترکیب یگانه و مختصی از موقعیت مکانی، شکل، وسعت، منابع طبیعی و آب و هوا است. بر این اساس، در مناسبات بین‌المللی باید ملاحظات مهم و حتی تعیین کننده جغرافیایی مورد توجه قرار گیرد. رویکرد جغرافیایی به سیاست با توجه به دیگر عوامل یک زاویه نگاه منسجم و کلی‌گرا به دولتمردان می‌دهد یعنی همان درک رابطه متقابل شرایط زیست محیطی بر روی سیاستمداران و سیاستهای آنها و بر عکس. نظریه‌های امپریالیسم، دارونیسم اجتماعی، رئالیسم، ایده آلیسم و رویکرد نظامها همه از تأثیر محیط بر سیاست و شرایط جامعه سخن می‌رانند.

یکی از تعبیر مستفاد از اصطلاح ژئوپلیتیک به معنی تاثیر عوامل جغرافیایی بر مناسبات و رقابتهای بین‌المللی است که غالباً بین قدرتهای بزرگ یا دولتهای جویای برتری بر سر تصاحب مناطق مهم جغرافیایی به وقوع می‌پیوندد. به عبارت دیگر، ژئوپلیتیک نوعی بازی سیاسی است که قدرتهای بزرگ برای کنترل سرزمین، منابع و موقعیتهای مهم جغرافیایی (مانند تنگه‌ها، بنادر، منابع و غیره) به آن مبادرت می‌نمایند. برخی نویسندگان معتقدند که اقدام نظامی آمریکا در عراق، نوعی بازی ژئوپلیتیک است که این کشور برای تصاحب منابع انرژی و کنترل بر شاهراه جغرافیایی جهان با اتحادیه اروپا، ژاپن و غیره بدان مبادرت کرده است. یا در گذشته رقابت روس و انگلیس در آسیای مرکزی، افغانستان و ایران و در عصر پس از فروپاشی شوروی، رقابتهای آمریکا، روسیه، چین و هند بر سر نفوذ بر آسیای مرکزی از سنخ بازیهای ژئوپلیتیکی است. اهمیت ژئوپلیتیکی یک منطقه جغرافیایی، قدرتهای بزرگ جهان را دچار رقابت در آن منطقه می‌نماید و در فرایندهای همگرایی منطقه مشکلاتی ایجاد می‌نماید. اما اگر

منطقه‌ای حایز اهمیت ژئوپلیتیک نباشد یا میزان اهمیت ژئوپلیتیک آن در مقایسه با سایر مناطق کمتر باشد و یا تضاد منافع قدرتهای بزرگ قابل توجه نباشد، قدرتهای بزرگ کمتر در آن منطقه دچار اصطکاک منافع می‌شوند (Michael Klare, 2003).

در هزاره سوم، آهنگ جهانی شدن سریعتر از گذشته در مسیر ادغام دنیا در حرکت است و اقتصادهای ملی برای بقاء و آمادگی در رقابت جهانی به گروه‌بندی‌های منطقه‌ای پناه آورده‌اند. از آنجا که کشورهای جهان به تنهایی همه عوامل تولید را در اختیار ندارند، بنابراین کشورها به منظور دستیابی به آرمانهایی که بدون مساعدت جمعی امکان پذیر نیست، تلاش می‌کنند با تشکیل سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای موجب رونق اقتصادی خود و تکمیل چرخه تولید در یک منطقه جغرافیایی شوند. بایستی توجه داشت که متمایز کردن مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از یکدیگر مقدور نیست و لذا حتی همکاریهای صرفاً اقتصادی به مسائل سیاسی و اجتماعی تسری می‌یابند و بالعکس.

اتحادیه اروپا و آ.سه.آن* از نمونه‌های بازر و موفق همکاریهای منطقه‌ای می‌باشند. اتحادیه اروپا با انگیزه‌های اقتصادی شروع و به همکاری سیاسی نیز وارد شد و اتحادیه آ.سه.آن از انگیزه‌های سیاسی شروع و به همکاری اقتصادی رسیده است. سازمان همکاری اقتصادی (اکو)** نمونه‌ای از سازمان همکاری منطقه‌ای می‌باشد که به دلیل عدم اراده سیاسی و فقدان هماهنگی در برنامه‌ریزیهای سیاسی و اقتصادی، علی‌رغم اینکه مانند اتحادیه آ.سه.آن تحت تاثیر منافع سیاسی غرب تشکیل شد، موفقیت چندانی نداشته است.

سازمان همکاری اقتصادی با نام اولیه "آر.سی.دی."*** در ژوئیه ۱۹۶۴ با عضویت ترکیه، ایران و پاکستان تشکیل شد. اتحادیه آ.سه.آن نیز در ۸ اوت ۱۹۶۷ با نام

* Association of Southeast Asian Nations

** Economic Cooperation Organisation

*** Regional Cooperation for Development

"اتحادیه ملل آسیای جنوب شرقی" با سابقه سازمان "آسا" که در سال ۱۹۶۱ تشکیل شده بود، با عضویت مالزی، اندونزی، سنگاپور، تایلند و فیلیپین تاسیس شد. این دو سازمان در واقع با حمایت ایالات متحده امریکا در دو منطقه آسیای جنوب غربی و آسیای جنوب شرقی برای مقابله با نفوذ کمونسیم تشکیل شد و هدف اولیه آنها کاملاً سیاسی بوده، که تحت پوشش همکاریهای اقتصادی پیگیری می شد.

فعالیت آر.سی.دی. به علل گوناگون؛ از جمله بی‌اعتمادی و دلسردی اعضا از یکدیگر و همچنین وقوع انقلاب اسلامی در ایران به حالت تعلیق در آمد. اما در سال ۱۹۸۵، هر سه کشور عضو با تمایل بیشتر به همکاری اقتصادی، اکو را با هدف دنبال نمودن اهداف اقتصادی آر.سی.دی. تشکیل دادند، اما در این هدف کامیاب نبودند.

فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز در سال ۱۹۹۱ در منطقه اکو و گرایش کشورهای سابقاً کمونیست منطقه آسیای جنوب شرقی به همکاریهای منطقه‌ای با جهان کاپیتالیست منجر به گسترش دو سازمان اکو و آ.سه.آن شد. بنابراین کشورهای آذربایجان، قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان، افغانستان و ترکمنستان به حوزه جغرافیایی اکو و کشورهای ویتنام، لائوس، میانمار، کامبوج نیز به اتحادیه آ.سه.آن اضافه شدند. مقاله حاضر، در تلاش است، به روش تحلیلی و مقایسه‌ای زمینه‌های همگرایی و واگرایی را در میان اعضای اکو و اتحادیه آ.سه.آن مورد بررسی قرار دهد. برای انجام این منظور و برای پاسخ به پرسشهای زیر، از چارچوب نظری "کانتوری واشپینگل" (Cantori & Spiegel, 1970:3) استفاده خواهد شد:

سوالات اصلی

۱. دلایل موفقیت نسبی آ.سه.آن در مقایسه با اکو در چه عواملی است؟
۲. نقش عوامل ژئوپلیتیکی در همگرایی یا واگرایی اکو و آ.سه.آن چیست؟

چارچوب تئوریک

در نظریه‌های ژئوپلیتیک اعتقاد بر این است که کشورهای دارای تقارن جغرافیایی غالباً مناطق ارتباط سیاسی دو جانبه و چند جانبه را شکل می‌دهند و سیاست خارجی آنها شدیداً از همدیگر تأثیر می‌پذیرد. هر چه این تقارن جغرافیایی بیشتر باشد اثر پذیری متقابل بیشتر است و بسته به نوع رابطه متقابل و همانندی‌های سیاسی و فرهنگی و مکملیت اقتصادی انتظار همگرایی بین آنها می‌رود. بنابراین ویژگیهای مشترک جغرافیایی، از جمله عواملی است که زیرساختهای همگرایی منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۳: ۶۱). در بعضی از این سازه‌های منطقه‌ای، قطبهای قدرت درون منطقه‌ای از انسجام لازم برخوردار نیستند، در نتیجه زمینه برای اثرگذاری قطبهای قدرت برون منطقه‌ای فراهم می‌شود (حافظ‌نیا و رومینا، ۱۳۸۴: ۲). در سازه‌های منطقه‌ای غیر منسجم که تضادها و تعارضها توسعه می‌یابند هر چند روابط دو جانبه و چند جانبه در حوزه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی ممکن است بین اجزا وجود داشته باشد، ولی الگوهای مناقشه گسترش یافته و فضای بحرانی بر منطقه حاکم می‌شود. در این گونه مناطق شکافهای ایجاد شده بین اجزا و دولتهای منطقه‌ای فرصتهای مناسبی را برای مداخله‌گران و بازیگران برون منطقه‌ای فراهم می‌کند، برعکس هر اندازه نظام و سازه ژئوپلیتیک منطقه‌ای، قدرت بیشتری داشته باشد میزان مداخله کمتر و الگوی رقابت‌آمیز و ستیز ضعیفتر خواهد بود (همان: ۲-۳). با این همه، بعضاً شرایط و اهمیت ژئوپلیتیک یک منطقه به‌گونه‌ای است که چندین قدرت برون منطقه‌ای تعریض به دخالت در یک نظام منطقه‌ای می‌گردند. به عبارت دیگر منافع و انگیزه دخالت برای قدرتهای برون منطقه‌ای از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است و این به علت کششهای متفاوت ژئوپلیتیکی مناطق مختلف برای قدرتهای برون منطقه‌ای است.

همگرایی به معنی ترکیب و ادغام اجزاء در یک کل است. همگرایی هم در سطح داخل یک کشور معنی می‌دهد و هم در یک منطقه بین تعدادی از کشورها. در داخل

کشور، به معنی ادغام بخش‌های مختلف کشور است. و در منطقه به معنی ادغام کشورهای آن منطقه. همگرایی یک طیف است که حد پایین آن به مفهوم ادغام اقتصادی و حد بالای آن به مفهوم اتحاد سیاسی و در پیش گرفتن سیاست خارجی مشترک است. همگرایی اقتصادی به معنی تعمیق وابستگی متقابل در یک منطقه از طریق شاخص‌هایی چون تجارت درون منطقه‌ای و هماهنگ‌سازی رویه‌ها، استانداردها و مقررات بازرگانی است (Dennis and Yusof, 2003: 1-18).

همگرایی اقتصادی به پنج شکل زیر تکامل می‌یابد:

- ۱- ناحیه تجارت آزاد، ۲- اتحادیه گمرکی، ۳- بازار مشترک، ۴- اتحادیه اقتصادی ۵- اتحادیه سیاسی. جدول زیر مشخصات هریک از انواع همگرایی فوق را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱: مشخصات انواع همگرایی‌ها

انواع همگرایی سیاست‌ها	منطقه آزاد تجاری	اتحادیه گمرکی	بازار مشترک	اتحادیه اقتصادی	اتحادیه سیاسی
حذف تعرفه‌ها و سهمیه‌ها		✓	✓	✓	✓
اتخاذ سیاست تعرفه‌ای مشترک نسبت به طرفهای تجاری خارجی		✓	✓	✓	✓
تحرک عوامل تولید			✓	✓	✓
هماهنگ سازی سیاست‌های اقتصادی				✓	✓
وحدت کامل سیاست‌های اقتصادی					✓

کانتوری و اشپیگل، دو پژوهشگر آمریکایی، از نظریه‌پردازان برجسته نظام منطقه‌ای هستند که دیدگاه‌های خود را در سال ۱۹۷۰ مطرح ساخته اند، آنان چهار

"متغیر الگویی" را به عنوان مهمترین عوامل موثر درون منطقه‌ای برای تعیین حدود طبیعی یک منطقه و نیز میزان انسجام در آن معرفی می‌کنند: ۱- ماهیت و میزان انسجام. منظور از انسجام، اندازه "مشابَهت" و نیز "مکمل بودن" واحدهای سیاسی یک منطقه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و وفاداری سازمانی است. ۲- ماهیت ارتباطات. یعنی درهم‌تنیدگی کشورهای منطقه از جهت ارتباط شهروندان، رسانه‌های مشترک، تبادل نظر نخبگان، ارتباط جاده‌ای و ریلی و توریسم می‌باشد. ۳- سطح قدرت. در این متغیر به توانایی بالفعل و بالقوه و نیز اراده کشور یا کشورهای یک سازمان در جهت همسان‌سازی سیاست‌های سایر کشورها با سیاست‌های سازمان مربوطه توجه می‌شود. ۴- ساختار روابط. در اینجا پتانسیل و سابقه روابط کشورهای عضو در روابط فی‌مابین از ستیز تا اتحاد بررسی می‌شود (Cantori and Spiegel, 1970:4-8).

با مطالعه این شاخص‌ها می‌توان دریافت که کشورهای یک منطقه به سوی همگرایی پیش می‌روند یا اینکه عوامل واگرایی در میان آنها قویتر عمل کرده‌اند. افزون بر متغیرهای چهارگانه درون منطقه‌ای، دو پژوهشگر مذکور با مطرح ساختن « سیستم اثرگذار » به بررسی نقش و نفوذ قدرت‌های برون منطقه‌ای و خارجی در یک منطقه می‌پردازند و می‌کوشد تا تاثیر آن را بر همگرایی ارزیابی نماید (Cantori and Spiegel, 1970:5-10). در واقع سیستم اثرگذار همان تاثیر عوامل ژئوپلیتیکی در رقابت قدرتهای بزرگ است که تاثیر شگرفی در فرایند همگرایی و واگرایی منطقه بر جای می‌گذارد. با توجه به اینکه موضوع تحقیق مقایسه میزان همگرایی میان دو منطقه آسه. آن و اکو می‌باشد؛ به نظر می‌رسد که بهترین نظریه برای مقایسه تطبیقی مناطق مختلف جهان با یکدیگر و بیان وجوه افتراق و اشتراک میان آنها استفاده از نظریه کانتوری واشپیگل است که سعی گردید از چهار چوب نظری آن جهت ارائه بهتر مقایسه بین اکو و آسه آن گرفته شود.

مقایسه اکو و آ.سه.آن از نظر میزان انسجام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و وفاداری سازمانی

۱- انسجام اجتماعی

انسجام اجتماعی در میان اعضای اکو و آ.سه.آن را با توجه به شاخص‌های قومیت، زبان و خط و فرهنگ مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) قومیت: فارس و ترک قوم غالب منطقه اکو هستند که این امر متغیر مثبت در فرایند همگرایی است. با این وصف مسئله اقوام مختلف در کشورهای عضو اکو با توجه به وجود مرزهای خاکی مشترک بین بعضی از اعضا و وجود اقوام مشترک در دو طرف مرز می‌تواند کانون بالقوه کشمکش و واگرایی باشد. اما با همه این، مشکلات قومی، مسئله خاصی در اکو نمی‌باشد. چرا که در اروپا، آسیا، آفریقا و آمریکا نیز وضع چنین می‌باشد، در کمتر منطقه‌ای از جهان می‌توان مرزهایی پیدا کرد که اقوام کاملاً همگن داشته باشد. تنوع قومی هم فرصت است و هم تهدید. فرصت از این جهت که در هر کشور اکو می‌توان شباهتهای قومی یافت و این به همگرایی کمک می‌کند: مثلاً ترکها و فارسها در اکثر کشورهای اکو یافت می‌شوند. با توجه به فرایند جهانی شدن، ناسیونالیسم قومی به حاشیه رانده شده است و نقش بازدارنده قبلی را ندارد.

در میان کشورهای عضو اتحادیه آ.سه.آن ۷۰٪ جمعیت اندونزی و ۶۰٪ جمعیت مالزی و ۶۹٪ جمعیت برونئی را اقوام ملایو تشکیل می‌دهند، و کاملاً تحت تأثیر آداب و رسوم و فرهنگ مشابه می‌باشند؛ بنابراین، نژاد ملایو نقش مهمی در انسجام نژادی کشورهای اندونزی، مالزی و برونئی دارد. همچنین حدود ۴٪ از جمعیت تایلند و ۱۵٪ از جمعیت سنگاپور نیز از نژاد ملایو می‌باشند. سایر کشورهای منطقه آ.سه. آن از جهت نژادی و قومی متعلق به اقوام تایی، خمر، لائو، چینی، برمه‌ای، فیلیپینی و ویتنامی می‌باشد (wikipedia, Southeast Asia). البته اختلاط قومی در همه کشورهای آسیای جنوب شرقی وجود دارد، اما به علت عدم اختلاف میان اقوام مختلف در هر

یک از کشورها، تنش‌های نژادی خاصی در منطقه آسه آن مشاهده نمی‌شود. با این وصف، کشورهای آسه آن از جهت قومی، منطقه متکثر محسوب می‌شوند و تنوع قومی نقش بازدارنده در فرایند همگرایی ایفا نکرده است.

ب) زبان و خط: در میان کشورهای اکو سه زبان عمده وجود دارد: روسی، فارسی و ترکی. ولی عملاً دولتهای اکو انگلیسی را به عنوان زبان رسمی مذاکرات و قراردادهای پذیرفته‌اند. بنابراین عدم انسجام زبانی به مانند سایر اتحادیه‌های موفق اقتصادی به این ترتیب حل و فصل می‌گردد.

در منطقه آسیای جنوب شرقی زبان ملایو، به عنوان زبان رسمی و بعضاً زبان محلی کشورهای اندونزی، مالزی، سنگاپور، بروئی، جنوب تایلند و تا حدودی در ویتنام به حساب می‌آید و همچنین زبان انگلیسی به عنوان زبان اداری و حکومتی یا زبان دوم در هر از یک کشورهای این منطقه باعث نزدیک شدن آنها به یکدیگر و سهولت برقراری ارتباط بین مردم این کشورها می‌شود.

ج) فرهنگ: تمامی کشورهای عضو اکو به جهان اسلام تعلق دارند و بیش از ۹۵٪ از جمعیت آنها را مسلمانان تشکیل می‌دهند. اما نقش دین در این کشورها به یک اندازه نیست. در کشورهای تازه استقلال یافته به علت حضور و تبلیغات هفتاد ساله رژیم کمونیستی، تبلور دین در جامعه چندان محسوس نیست. ترکیه به خاطر حکومت لائیک در هفتاد و چند سال اخیر، چهره‌ای غیر دینی‌تر نسبت به ایران و افغانستان و پاکستان دارد. تقریباً ۷۵٪ از جمعیت مسلمان منطقه پیرو اهل سنت می‌باشند که اکثریت آنها پیرو مکتب حنفی بوده و فقط کردهای ایران و ترکیه پیرو مکتب شافعی می‌باشند. حدود ۲۵٪ از جمعیت نیز شیعه دوازده امامی می‌باشند که در ایران، آذربایجان و پاکستان و افغانستان زندگی می‌کنند. با تمام این احوال، اختلافات تاریخی شیعه و سنی را نمی‌توان از نظر دور داشت. با این وصف اسلام بیش از اینکه نقش منفی داشته باشد می‌تواند عامل تسهیل کننده در فرایند همگرایی اکو داشته باشد زیرا

دو فرد مسلمان به رغم اختلاف دیدگاه بهتر می‌توانند تفاهم داشته باشند تا یک مسلمان با یک غیر مسلمان (کتاب سبز اکو، ۱۳۷۷: ۱۳۴-۹۵).

از لحاظ تاریخی، ایران، افغانستان، ترکمنستان، تاجیکستان و آذربایجان یک دوران طولانی هم سرنوشت و همگام بوده‌اند. قزاقستان در شمال با روس‌ها و در شرق با چین تاریخ مشترک بیشتری دارد.

در آ.سه. آن. اسلام و بودائیسیم مذهب غالب منطقه را تشکیل می‌دهد. ۸۱٪ از جمعیت اندونزی، ۱۵٪ از مردم سنگاپور، کمتر از ۳٪ مردم تایلند، ۵٪ مردم فیلیپین، ۶۱٪ جمعیت مالزی، ۵٪ مردم کامبوج، ۶۷٪ مردم برونئی و حدود ۴٪ مردم برمه مسلمان هستند. آیین بودا نیز نقش مهمی در انسجام اجتماعی منطقه آ.سه. آن ایفا کرده است. ۵۱٪ مردم سنگاپور، ۹۵٪ مردم تایلند، ۱۳٪ مردم برونئی، ۸۹٪ جمعیت برمه، ۹۳٪ مردم کامبوج و اکثریت مردم لائوس و ویتنام بودایی هستند (wikipedia, Southeast Asia).

آ.سه. آن نیز از نقطه نظر فرهنگی به دلیل تأثیر اختلاطی از آیینهای اسلام و بودا و تاحدودی آئین کنفوسیوس و مسیحیت بر فرهنگ و اخلاق مردم منطقه، باعث گرایش کشورهای منطقه به همدیگر شده است. البته سیاست تساهل مذهبی که از سوی همه کشورهای عضو اتحادیه آ.سه. آن اتخاذ شده و وجود خصلت نرم‌خویی در مردم این سرزمین که پذیرش هر آئین و رسوم را آسان نموده، باعث اختلاط مذهبی در این منطقه شده است. در آ.سه. آن، تکثر فرهنگی بسیار قابل توجه است و میراث تاریخی مشترک به قوت اکو نیست.

۲- انسجام اقتصادی

الف) مشابهت نظام اقتصادی: در میان اعضای اکو تشابه نظام‌های اقتصادی مشاهده نمی‌شود. ترکیه و پاکستان دارای اقتصاد آزاد، ایران دارای اقتصاد مختلط و بازار آزاد است. شش کشور بازمانده از شوروی همگی دارای نظام سوسیالیستی و

متمرکز بوده که پس از استقلال با دشواریهایی برای گذار از این سیستم با نظام بازار آزاد روبرو می‌باشند (روزنامه خراسان، ۷۹/۳/۱۹).

در میان اعضاء آ.سه.آن که شامل دو گروه کشورهای اصلی و کشورهای تازه پیوسته به اتحادیه می‌شوند، کشورهای مالزی، اندونزی، سنگاپور، تایلند و فیلیپین اعضاء اصلی اتحادیه می‌باشند، که همگی دارای نظام اقتصاد آزاد و سرمایه‌داری به شیوه غرب هستند. اما بقیه کشورها تا زمانی که دارای نظام سوسیالیستی بودند، نتوانستند به این اتحادیه وارد شوند و بعد از طی مراحل درجهت گرایش به نظام اقتصاد آزاد و پس از طی مرحله گذار از نظام سوسیالیستی به نظام اقتصاد آزاد به عضویت اتحادیه آ.سه. آن پذیرفته شدند (بروجردی، ۱۳۸۰: ۲۵-۲۴).

ب) مکمل بودن اقتصاد کشورها: مکمل بودن اقتصاد کشورهای اکو و آ.سه. آن، با شاخص سهم تجاری درون منطقه‌ای آنها و الگوی تجارت خارجی کشورهای دو منطقه و سهم درون منطقه‌ای آن اندازه‌گیری می‌شود.

به طور کلی، اکو با احراز ۱/۳ درصد از سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، در حدود ۸/۲۷۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشت که سهم درون منطقه‌ای آن بسیار نازل است. بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های خارجی در اکو توسط

شرکتهای بزرگ نفتی در پروژه‌های نفتی صورت می‌گیرد (Macroeconomic overview of ECO countries, 2004:36).

جدول ۲: تجارت اکو (میلیارد دلار آمریکا)

سال	1998	1999	2000	2001	2002
صادرات	59.3	68.7	83.2	82.3	94.6
واردات	81.3	75.4	93.0	84.9	103.3
کل حجم تجاری	140.6	144.1	176.2	167.2	197.9
کل صادرات (تغییرات)	-11.2	16.0	21.1	-1.1	14.9
صادرات درون منطقه‌ای، (درصد سالیانه)	6.1	5.0	5.5	5.1	5.4
نسبت تجاری درون منطقه‌ای	5.3	5.0	5.3	5.1	5.2

مأخذ: CO Secretariat database, International trade statistics 2002, WTO.

طبق آمارهای سازمان تجارت جهانی، مجموع صادرات آسه آن در سال ۲۰۰۴، ۴۵۱ میلیارد دلار برآورد گردید که فقط ۲۳/۳ درصد آن درون منطقه‌ای (معادل ۱۰۵ میلیارد دلار) و ۷۶/۷ درصد دیگر آن را صادرات برون منطقه‌ای به ارزش ۳۴۶ میلیارد دلار تشکیل می‌دهد. مجموع واردات جهانی آسه آن نیز ۳۸۹ میلیارد دلار می‌باشد که مانند صادرات اتحادیه، ۲۳/۳ درصد آن مربوط به واردات درون منطقه‌ای و ۷۶/۷ درصد آن مربوط به واردات برون منطقه‌ای می‌گردد (WTO, World Trade Statistics, 2003).

۳- انسجام سیاسی

ده کشور عضو اکو، نظام‌های سیاسی نسبتاً متفاوتی دارند، افغانستان در حال حاضر (سال ۲۰۰۵) دارای حکومت جمهوری اسلامی می‌باشد، اما با حضور نیروهای آمریکایی در این کشور و همچنین درگیری‌های داخلی و حضور گروه القاعده با مشکلات سیاسی و امنیتی حادی روبروست. در پاکستان شاهد حکومت جمهوری اسلامی هستیم، اما از آغاز تاسیس تاکنون نظامیان در این کشور با کودتای‌های مکرر دائماً حاکمیت داشته‌اند. در کل، نظام دموکراسی در پاکستان بسیار لرزان است. ایران

دارای نظام جمهوری اسلامی است، اما با داشتن نظام ولایت فقیه، دارای وضعیتی منحصر به فرد در میان اعضای اکو است. در ترکیه شاهد یک نظام دمکراسی به شیوه غربی و لائیک هستیم. در کشورهای آسیای مرکزی نیز با وجود هفتاد سال سابقه نظام‌های بدون انتخابات آزاد، در سالهای اخیر جمهوری لائیک برقرار شده است. اما با اندکی توجه مشاهده می‌شود که این حکومت‌ها فقط اسماً جمهوری می‌باشند. با گذشت یک دهه از زمان استقلال کشورهای آسیای مرکزی هنوز اقتدارگرایی در این کشورها تداوم دارد (ابولحسن شیرازی، ۱۳۸۴: ۸۴).

به دلیل همین عدم انسجام سیاسی است که اکو حتی نتوانست یک موافقتنامه حذف سیاسی امضاء کند، حتی ذکر نام خدا بر روی توافقاتی که در تهران صورت می‌گرفت با اعتراض بعضی اعضا، خصوصاً ترکیه مواجه گردید (امیدی، ۱۳۷۴: ۸۰).

از لحاظ سیاسی در آ.سه.آن با کشورهای دارای نظام دمکراسی، پادشاهی، دولتهای کمونیستی و حکومت نظامیان مواجه هستیم. ما علیرغم تفاوت ظاهری در نظام حکومتی شاهد مشابهت نسبی در سیستم سیاسی کشورهای عضو اتحادیه آ.سه.آن می‌باشیم. در کشورهای اندونزی، سنگاپور و فیلیپین نظام دمکراسی، در مالزی نظام حکومتی پادشاهی مشروطه با نهادهای لیبرال دمکراسی، در کامبوج سیستم پادشاهی با وفاداری به نظام دمکراسی و سیستم چند حزبی و در تایلند و برونئی نظام حکومتی پادشاهی مشروطه دارای نظام پارلمانی، در جهت کاهش اختیارات پادشاه و سپردن قدرت به دست نهادهای دمکراتیک، نمایانگر تشابه نسبی در نظام حکومتی کشورهای آسیای جنوب شرقی می‌باشد. البته حکومت نظامیان در میانمار در اینجا قدری استثناء است که علائم مثبت سیاسی از سال ۲۰۰۱ جهت حضور نظام دمکراسی هدایت شده در این کشور، به افزایش شباهت در نظام حکومتی کشورهای منطقه کمک کرده است (BBC: ASEAN Profile).

انسجام نسبی سیاسی در میان آ.سه. آن به این سازمان اجازه داده است که تاکنون توافقنامه‌های مهم سیاسی زیر به امضاء رسانده و آن را به اجراء در آورد:

اعلامیه ۱۹۶۷ بانکوک به هنگام تأسیس سازمان،
پیمان مودت و دوستی بالی در سال ۱۹۷۶،
اعلامیه ۱۹۷۱ کوالالامپور در اعلام آسیای جنوب شرقی به عنوان منطقه صلح،
آزادی و بیطرف،
اعلامیه ۱۹۹۲ مانیل درخصوص دریای چین جنوبی،
پیمان بانکوک در سال ۱۹۹۷ مبنی بر اعلام منطقه به عنوان " منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای"،
تدوین چشم انداز ۲۰۲۰ آ.سه. آن در کوالالامپور (۱۹۹۷)،
توافقنامه بالی دوم در سال ۲۰۰۲.
آ.سه. آن همچنین برای حل و فصل اختلافات کشورهای منطقه توافقات حقوقی مختلفی به امضاء رسانده است و فرهنگ " گفتگو " تبدیل به گفتمان غالب منطقه شده است (ASEAN Website, Overview of Politics and Security).

۴- انسجام سازمانی

داشتن شخصیت حقوقی مستقل از دول عضو برای یک سازمان، تضمین کننده اعتبار آن است. در این صورت است که تصمیمات آن برای آن دول التزام آور و غیر قابل امتناع می‌شود. اکو از چنین ویژگی برخوردار نیست. عضویت یا گرایش به سازمان رقیب، یکی از دلایل موثر برضعف انسجام سازمانی اکو می‌باشد. ترکیه اهمیت بیشتری به اروپایی بودن خود می‌دهد و در آرزوی پیوستن به اتحادیه اروپاست. یکی دیگر از این سازمانهای رقیب، سازمان همکاری شانگهای است. روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان، اعضای اصلی و ایران و پاکستان اعضای

ناظر این سازمان می‌باشند. همچنین تمایل آذربایجان به عضویت در نهادهای اروپایی مانند شورای همکاری و امنیت اروپا، نمایانگر نگرش ضعیف آن به اکو می‌باشد. در واقع کشورهای اکو هنوز در اراده خود جهت کارآمدسازی اکو و اعلان وفاداری حداکثری به آن دچار تردید هستند.

با این وصف، هرچند عضویت کشورهای اکو در سازمانهای اقتصادی مختلف نشانه پائین بودن جایگاه اکو برای کشورهای عضو است، ولی از مفید بودن عضویت در این سازمان نمی‌کاهد. به عبارت دیگر، به رغم وفاداریهای چند جانبه دولتها به سازمانهای مختلف، کماکان اکو می‌تواند از جهت اقتصادی برای کشورهای عضو فایده داشته باشد، هرچند که میزان این فایده تقلیل یابد. به هر حال سود اقتصادی - سیاسی عضویت در اکو و کارآمدسازی این سازمان به مراتب بیشتر از هزینه‌های آن است چون همکاری در اکو بیشتر فرصت است تا تهدید.

در منطقه آ.سه.آن سازمان رقیب مطرح وجود ندارد و آ.سه.آن به عنوان شخصیت حقوقی مستقل حوزه همکاری این سازمان را با جهان خارج گسترش داده است. به این دلیل است که می‌بینیم نهادهای مکملی چون سازمان همکاری آسیا - اروپا (آسم)، آسیا- پاسفیک (آپک) و آ.سه.آن+۳ (چین، ژاپن و کره جنوبی) ایجاد شده است. همچنین جهت‌گیری‌های واحد این کشورها در مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله اعلام منطقه آسیای جنوب شرقی به عنوان منطقه عاری از سلاحهای اتمی و اتخاذ مواضع مشترک در دیگر مسائل سیاسی سازمان ملل متحد و قرار گرفتن در گروه غیر متعهدها و تلاش برای حل مسالمت آمیز مسائل سیاسی نشانه‌هایی برای اثبات وجود انسجام سازمانی در اتحادیه آ.سه.آن می‌باشد (ASEAN Website, External Relations). به عبارت دیگر، کشورهای عضو آ.سه.آن پذیرفتند که این نهاد دارای شخصیت مستقل است و صلاحیت برقراری رابطه با سایر نهادهای بین‌المللی را دارد. در منطقه آ.سه.آن سازمان رقیب برای اعلان وفاداری اعضا وجود ندارد.

ماهیت ارتباطات

اعتقاد بر این است هرچه ارتباط افراد و نخبگان یک منطقه بیشتر باشد، به هم پیوندی آن منطقه بیشتر شده و نخبگان و ادار می‌شوند در پیشبرد فرایند همگرایی گام بردارند. اگر درصد توریسم، ملاقاتهای مقامات و نخبگان کشورهای منطقه و وجود رسانه مشترک را از شاخص‌های ارتباطات یک منطقه تلقی کنیم موقعیت آ.سه. آن به مراتب بهتر از اکو است.

تعداد توریست‌های وارده به منطقه اکو در سال ۲۰۰۲ بالغ بر ۱۶/۳۹۱ میلیون نفر بودند که آمار دقیقی از توریست‌های درون منطقه‌ای اکو وجود ندارد، ولی با توجه به اینکه حدود ۱۳/۵ میلیون نفر از آمار فوق مربوط به توریست‌های وارده به ترکیه هستند، پیش‌بینی می‌شود که سهم توریسم درون منطقه‌ای بسیار نازل باشد (Macro_economic overview of ECO countries, 2004:40).

از جهت ملاقاتهای نخبگان رسمی و غیر رسمی در منطقه اکو، تنها ۴۱ نشست از اول ژانویه ۲۰۰۵ تا آخر نوامبر ۲۰۰۵ ثبت شده است، در حالیکه آ.سه. آن ماهانه ۵۰۰ نشست دارد (ECO Website, Events).

در میان کشورهای اکو، بیشتر حجم ارتباط بین ترکیه از یکسو و سایر کشورهای اکو از سوی دیگر می‌باشد. این به دلیل تسهیلات گذرنامه‌ای و حذف روادید می‌باشد. اگر اکو بخواهد به تقویت ارتباطات در میان اعضای خود کمک کند، می‌بایست موانع عریض و طویل تشریفات اخذ روادید را از میان بردارد (Macro_economic overview of ECO countries, 2004:26-28).

وجود راه‌های ارتباطی گسترده، در کنار آب‌های آزاد و همچنین گسترش راه آهن در میان کشورهای عضو اتحادیه باعث افزایش رفت و آمد افراد در میان کشورهای آسیای جنوب شرقی شده است. در سال ۲۰۰۲ حدود ۴۴ میلیون نفر و در سال ۲۰۰۳ حدود ۳۷/۵ میلیون نفر جهانگرد به منطقه آ.سه. آن سفر کرده‌اند که حدود ۴۰ درصد آنها مسافران درون منطقه‌ای بودند. گفته می‌شود که علت اصلی رونق توریسم در

منطقه، آسان‌سازی صدور روادید خصوصاً برای کشورهای منطقه، جاذبه‌های جهانگردی و آزادی عمل جهانگران می‌باشد. کشورهای آ.سه. آن برای تشویق روابط خویش، پیش‌نویس حذف روادید را امضاء کردند و ساز و کارهای اجرای آن را مورد مطالعه قرار می‌دهند (ASEAN Website, tourism).

سطح قدرت در منطقه اکو و آسه آن و نقش آن در همگرایی

برای بررسی میزان قدرت نسبی از شاخص تولید ناخالص داخلی (GDP) استفاده کردیم، خصوصاً در جهان امروز که نوعی همبستگی آماری معنی دار بین کشورهای دارنده تولید ناخالص ملی بالا و نفوذ سیاسی بیشتر آنها در مسائل بین‌المللی وجود دارد. سه عضو بنیانگذار اکو هر چند در منطقه از قدرت قابل ملاحظه‌ای برخوردارند (جدول شماره ۳) و توانایی نسبی در تغییر سیاست‌های بقیه کشورهای عضو اکو را دارند، اما مشکل در این است که اولاً این سه کشور با یکدیگر اتفاق نظر نداشته و هریک سیاست خاص خود را تعقیب می‌کنند؛ و ثانیاً قدرتهایی مانند روسیه، چین و آمریکا در سالهای اخیر حضور بیشتری در منطقه داشته و با انعقاد قراردادهای اقتصادی، دفاعی و امنیتی با کشورهای آسیای مرکزی و همسویی در مسائل منطقه از جانب آنها، (همکاری روسیه و چین در گروه شانگهای) مجال فعالیت را از کشور ایران، پاکستان و ترکیه گرفته‌اند. تلقی دولتهای آسیای مرکزی از بنیادگرایی اسلامی به عنوان یک تهدید باعث گردیده است که آنها با روسیه، چین و آمریکا در برابر به اصطلاح تهدید بنیادگرایی اسلامی موافقتنامه‌های دفاعی امضا نمایند. بسیاری از رهبران کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان به جای گرایش به ایران به عنوان عضو اصلی اکو، مشکلات امنیتی خود را از طریق توسل به قدرتهای فرامنطقه‌ای چون آمریکا و اسرائیل مدیریت می‌کنند.

جدول شماره ۳: تولید ناخالص داخلی اکو*

نام کشور	میلیون دلار آمریکا
آذربایجان	6.156
ازبکستان	9.707
افغانستان	4.048
ایران	115.912
پاکستان	69.576
تاجیکستان	1.217
ترکمنستان	8.800
ترکیه	181.569
قزاقستان	24.447
قرقیزستان	1.615
مجموع	423.047

جدول شماره ۴: تولید ناخالص داخلی آ.سه. آن**

نام کشور	میلیون دلار آمریکا
اندونزی	208.2
برونئی	4.7
تایلند	143.3
سنگاپور	91.4
فیلیپین	80.4
لائوس	2.0
کامبوج	4.2
مالزی	103.2
میانمار	9.6
ویتنام	39.0
مجموع	686.000

*http://www.ecosecretariat.org/ftproot/Publications/Annual_Economic

**_Report/Macro_economic_overview of ECO countries.

<http://www.asean.or.jp/eng/general/base/glance2004.html>

در مورد آ.سه. آن با توجه به شاخص‌های اقتصادی (جدول شماره ۴)، کشورهای اندونزی، مالزی، سنگاپور، تایلند و فیلیپین قدرتمندترین کشورهای منطقه هستند. کشور ویتنام هرچند از جهت سخت افزارهای نظامی با کشورهای فوق برابری می‌کند، ولی به دلیل ضعف اقتصادی یارای رقابت با آنها را ندارد. پنج کشور فوق همگی اعضای بنیان گذار آ.سه. آن هستند و اراده لازم جهت تقویت سازمان و قدرت تأثیر گذاری به سایر اعضا را دارا می‌باشند. از طرف دیگر مشکلات امنیتی این منطقه قابل مقایسه با منطقه اکو نیست؛ نتیجتاً ضرورتی برای توسل کشورهای آ.سه. آن در جلب حمایت از قدرتهای بزرگ برون منطقه‌ای وجود ندارد.

ساختار روابط

ساختار روابط به معنی ماهیت روابط کشورهای عضو سازمان بین حد مثبت و حد منفی یک طیف می‌باشد. اگر حد مثبت روابط را اتحاد و حد منفی را جنگ تلقی کنیم، ماهیت روابط یک منطقه را می‌توان ترسیم کرد.

در میان اعضای آ.سه. آن نیز در گذشته زمینه‌های بالقوه برای واگرایی وجود داشته است، اما با پایان یافتن جنگ سرد و گرایش کشورهای کمونیستی منطقه به غرب و کشورهای طرفدار غرب در منطقه آسیای جنوب شرقی، این زمینه‌ها کاهش قابل ملاحظه‌ای یافته‌اند. علاوه بر این مشارکت و منافع اقتصادی زمینه‌های اختلاف برانگیز را تحت پوشش قرار داده است. موضوع مهمتر، اینکه اتحادیه آ.سه. آن از ابتدای شروع کار خود، نقش یک داور را در حل معضلات و اختلافات منطقه‌ای بازی کرده است. بنابراین از جهت ساختار روابط، کشورهای آ.سه. آن بیشتر در نقطه تعادل قرار دارند و خصومت‌های سیاسی خشونت‌بار بین آنها سابقه ندارد. ولی شکی نیست که از جهت اقتصادی آنها با یکدیگر رقابت‌هایی دارند.

در منطقه اکو، هرچند مجادلات سیاسی و اختلافات مرزی هر از گاهی در کشورهای عضو بروز می‌کند، ولی در تاریخ تشکیل اکو، کشورهای عضو هیچ وقت درگیر خشونت نظامی مرگبار نبوده‌اند. کشورهای آسیای مرکزی عضو اکو به دلیل قرار گرفتن در حاکمیت اتحاد شوروی سابق مجالی برای برخورد نظامی نداشتند. جمهوری آذربایجان با ارمنستان درگیر برخورد نظامی است که ربطی به همگرایی در اکو ندارد؛ زیرا ارمنستان عضو اکو نیست. بنابراین از جهت طیف روابط، کشورهای اکو دارای پیشینه برخورد نظامی یا جنگ نبوده‌اند و این امر می‌تواند نکته مثبتی در فرایند همگرایی کشورهای اکو باشد. حداقل این مفهوم را می‌رساند که آنها اختلافات غیرقابل فائق شدن از طریق دیپلماسی را ندارند.

نقش قدرتهای اثر گذار برون منطقه‌ای یا رقابتهای ژئوپلیتیک در اکو

آمریکا: نقش آمریکا در همگرایی و واگرایی اعضای اکو در دو دوره زمانی قابل بررسی است: زمانی که اکو به نام آر.سی. دی فعالیت خود را شروع نمود و دوره‌ای که بعد از فروپاشی شوروی و انحلال بلوک‌بندی جهانی شروع می‌شود. تضاد منافع بلوک شرق و غرب در سالهای جنگ سرد باعث گردید که آمریکا برای مهار کمونیسم سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان را به تشکیل سازمانی برای همکاری بیشتر بین آنها تشویق و ترغیب نماید.

پس از انقلاب اسلامی در ایران، وضعیت روابط دو کشور ایران و آمریکا دچار تغییر اساسی شد. اما آمریکا با گسترش روابط خود با ترکیه و پاکستان و همینطور تحریم اقتصادی علیه ایران تاثیر منفی بر روند همگرایی در اکو گذاشته است. هرچند اکو نمی‌تواند به عنوان یک رقیب احتمالی در آینده برای ایالات متحده آمریکا باشد، اما رشد همگرایی در اکو با محوریت ایران یا هر سازمانی که به همکاری بیشتر کشورهای آسیای مرکزی و روسیه، با محوریت روسیه بیانجامد، مورد پسند آمریکا نیست. بنابراین با کمک‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در کشورهای آسیای مرکزی و جلب آنها در سازمان ناتو و گسترش الگوی سکولاریزم ترکیه‌ای در این منطقه، سعی دارد از گرایش این جمهوری‌ها به روسیه یا ایران جلوگیری کند (ترنیکف و گلو شنگوف ۱۳۷۸: ۲-۹۱).

حذف ایران از کنسرسیوم نفت آذربایجان، عبور خطوط لوله نفت و گاز منطقه به اروپا بجز از مسیر ایران، نمونه‌ای از سیاست‌های منزوی نمودن ایران و جلوگیری از گرایش کشورهای منطقه به ایران می‌باشد. آمریکا با شیوه‌های مختلف اقتصادی جمهوری‌های منطقه را از همکاری با ایران باز می‌دارد. رفتار سیاسی آمریکا با ایران باعث می‌شود که توسعه اقتصادی منطقه چند سال به تاخیر بیفتد. یکی از اهداف آمریکا در آسیای مرکزی، مهار ایران و بنیادگرایی اسلامی می‌باشد. بنابراین به هر

شیوه‌ای می‌کوشد تا کشورهای منطقه از گرایش به ایران دوری کنند (بصیری و ایزدی، ۱۳۸۳: ۵-۹۱). آمریکا با تسلط بر آسیای مرکزی، به چندین هدف دست می‌یابد:

- تسلط بر منابع انرژی منطقه.

- بدست آوردن امتیاز مهمی برای غلبه بر حریفان خود یعنی چین و روسیه.

- تسلط بر نیروهای مخالف آمریکا و محدود ساختن آنها مثل القاعده.

در کل آمریکا مایل نیست در خاورمیانه و آسیای مرکزی ابرقدرتی پدید آید که استقلال کشورهای منطقه و منافع آمریکا را در منطقه به مخاطره اندازد (همان: ۱۲۷-۹۱). اما از آنجایی که اهداف بلند آمریکا با افزایش ثبات در منطقه بیشتر تامین می‌شود، ایالات متحده در تلاش است یک نوع همگرایی با مرکزیت ترکیه در منطقه ایجاد نماید و کشورهای منطقه را بر اساس منافع خود گروه‌بندی نماید.

تسلط بر منابع انرژی منطقه برای ایالات متحده از چنان اهمیتی برخوردار بوده است که حتی طالبان را به‌عنوان گروهی سودمند و مفید تلقی کند. از نظر آمریکاییها، ذخایر نفت و گاز قابل ملاحظه‌ای در "شکم نرم" هارتلند مکیندر وجود دارد. واشنگتن، در طول مدت زمانی که به موضوع نفت پرداخته شده است و به دنبال کسب امکانات و منافع اساسی و کافی برای شرکت‌های نفتی آمریکایی، بر برخی از مسایل ژئوپلیتیک مانند تاسیس شبکه خطوط لوله نفت و راه‌های حمل و نقل آن بویژه برای کنار گذاشتن روسیه و ایران، تمرکز کرده است. بنابراین، از نقطه نظر ایالات متحده، منطقه خاکستری آسیای مرکزی، نباید دوباره به حالت قبل از فروپاشی شوروی برگردد و اگر روسیه تصمیم به تصرف مجدد این منطقه بگیرد، جنگ اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. قطعاً ایالات متحده از لحاظ نظامی خود را متعهد به این منطقه می‌داند (سحرخیز، ۱۳۸۳).

روسیه: هرچند در زمان تأسیس آر.سی.دی اتحاد جماهیر شوروی به عنوان عامل کمونیسم، تهدیدی مشترک برای کشورهای عضو بحساب می‌آمد، اما این مورد به اندازه‌ای نبود که آنها را در برابر شوروی بهم نزدیک کند. این موضوع را در بررسی روابط ترکیه، پاکستان و ایران با اتحاد شوروی می‌توان دریافت. بعد از فروپاشی شوروی، مسکو به لحاظ اقتصادی، سیاسی، نظامی و فنی، قدرت اثرگذار تعیین کننده‌ای در جمهوری‌های آسیای مرکزی و آذربایجان دارد. نمونه آن تجارت این کشورها با روسیه است. روسیه بزرگترین شریک تجاری و بازرگانی خارجی این شش جمهوری می‌باشد.

روسیه در تمام سالهای اخیر تلاش نموده، قدرت سابق خود را بدست آورد و جایگاه نفوذ و قدرت گذشته خود را در این منطقه احیاء نماید. در کل، گرایشات غیر روسی جمهوریهای شوروی سابق برای بسیاری از روسها مشکل است. علاوه بر این ذهنیت، تعداد بسیاری روس تبار، در این شش جمهوری مقیم می‌باشند. جدا از منافع استراتژیک و تاریخی، منافع اقتصادی نیز از جمله انگیزه‌های قوی روسها برای حفظ سلطه خود در منطقه بوده است (آلیکر و ساین، ۱۳۸۲: ۹۹-۴۳۳). روسیه همچنین در تلاش است، حتی با حمایت از گروههای شورشی در آسیای مرکزی و پرخاطر جلوه دادن تهدیدات بنیادگرایی اسلامی، ثبات سیاسی کشورهای منطقه را به مخاطره اندازد، تا از این لحاظ نیز به روسیه وابسته باشند. با این شیوه‌ها روسیه توانسته است نیروهای نظامی خود را در منطقه مستقر سازد. بعضی از کشورهای منطقه نیز با این سیاست روسیه موافقت ندارند. بنابراین روسیه بر فشارهای سیاسی و اقتصادی بیشتر تاکید نموده است؛ حمایت از اقلیت‌های روس ساکن در این جمهوری‌ها، استمرار پرداخت یارانه در معاملات با آنها دخالت نظامی در منازعات سیاسی داخلی این کشورها، گرفتن امتیازات در ازای بخشیدن سهم آنها از بدهی شوروی، درخواست از غرب برای عدم دخالت در این منطقه به عنوان حوزه نفوذ روسیه، مشارکت دادن آنها در سازمان

همکاری شانگهای و کشورهای مشترک المنافع (CIS)، از جمله اقدامات روسیه برای حفظ محوریت خود در آسیای مرکزی می‌باشد. روسیه برای پیدا کردن جایگزین در مسیرهای صادرات انرژی، به سرمایه‌گذاری هنگفتی در صنایع کشورهای آسیای مرکزی اقدام نموده است. در کل می‌توان گفت: روسیه هیچگونه علاقمندی نسبت به اکو از خود نشان نمی‌دهد. زیرا خود را قدرت اصلی می‌داند و خواستار همگرایی این دولت‌ها در چارچوب کشورهای مشترک المنافع می‌باشد. نگرانی بازگشت روسیه به قدرت در این منطقه باعث همکاری کشورهای این منطقه در سازمان‌های دیگر از جمله سازمان امنیت و همکاری اروپا و اکو شده است.

از نقطه نظر ژئواستراتژیک، آسیای مرکزی عرصه نفوذی است که باعث آسیب‌پذیری روسیه می‌شود. مسکو در بهترین حالت، مرزهای نزدیک را به عنوان منطقه ضربه‌گیر در نظر می‌گیرد. هرگونه تسلط خارجی در منطقه می‌تواند تمامیت ارضی روسیه را به مخاطره افکند. روسیه را به لحاظ فنی می‌توان به دو قسمت از وسط در امتداد کوه‌های اورال تقسیم کرد. بنابراین، این قدرت نظامی روسیه بوده است که توانسته تزارها، کمونیست‌ها و فدرال‌ها را تحت یک دولت متحد، جمع کند. میلیتاریسم روسی در چینستان سیاست بلند مدت روسیه را به خوبی نشان می‌دهد. البته با وجود تعارضات روسیه و ایالات متحده در منطقه به نظر می‌رسد نیروهای متعارف روسی در حال حاضر از توانایی کافی برای رقابت با هم‌تاهای آمریکایی خود، برخوردار نیستند. واقعیت این است که شورای امنیت روسیه، دکترین نظامی جدید را که مبتنی بر حفظ منافع این کشور برای حمله هسته‌ای پیشگیرانه هنگام حادثه و تهدید جدی باشد، تصویب کرد (سحرخیز، ۱۳۸۳).

اتحادیه اروپا: انگیزه اقتصادی عامل مهمی در توجه اتحادیه اروپا به منطقه اکو می‌باشد. از آنجایی که آذربایجان و ترکیه رسماً در شورای اروپا پذیرفته شده و پنج جمهوری آسیای مرکزی عضو اکو در سازمان امنیت و همکاری اروپا و همچنین ناتو

مشارکت دارند، توجه خاصی از سوی اروپا به منطقه شده است. چهار کشور عمده اروپا، یعنی آلمان، ایتالیا، انگلیس و فرانسه، به ترتیب دارای بیشترین روابط بازرگانی با اعضای اکو می‌باشند (نادعلی‌زاده، ۱۳۷۷: ۹۱). با توجه به سیاست کلی اروپا در سطح نظام بین‌المللی مبنی بر تشکیل یک نظام چند قطبی و جلوگیری از رشد یک قطب در نظام بین‌المللی در جهت ایجاد صلح جهانی، روابط اقتصادی و سیاسی اروپا با اکو و در کنار آن با روسیه باعث افزایش توان اقتصادی و اعتبار سیاسی کشورهای منطقه و در نتیجه ایجاد یک همگرایی منطقه‌ای مبتنی بر همکاری و صلح خواهد شد. البته موضوع قابل توجه در این بحث، گسترش ناتو است. گسترش ناتو به شرق از دو جنبه قابل بررسی است: یکی اینکه با سیاست اروپا برای حفظ ثبات و امنیت در منطقه پیش رود؛ که با این احتمال با توجه به گرایش جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز به حضور ناتو در کشورهايشان، (رحمانی، ۱۳۷۷: ۱۴) در همگرایی منطقه‌ای اکو منفی تلقی نمی‌شود. جهت دیگر گسترش ناتو سیاست جذب کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به ناتو در جهت سیاست آمریکا برای مهار ایران و روسیه و تسلط بر جهان اسلام می‌باشد، در صورتی که گسترش ناتو در جهت این سیاست پیش برود عاملی است در جهت واگرایی در میان اعضای اکو.

چین: در توجه چین به اکو چند مطلب حائز اهمیت است: ۱- بعنوان سومین مصرف کننده بزرگ نفت در جهان نیاز مبرمی به نفت منطقه اکو دارد. ۲- رقابت با روسیه و آمریکا با توجه به رشد چشمگیر جهان اسلام به عنوان یک قدرت برتر در نظام بین‌الملل آینده و تلاش برای همکاری با این قطب برای مقابله با روسیه و آمریکا (ملکی، ۱۳۷۶: ۹۸). ۳- تقویت بازار منطقه برای صادرات چین. ۴- بدست آوردن راه عبور از منطقه اکو به اروپا با تلاش برای گسترش خطوط ارتباطی چین با اکو؛ از جمله راه آهن، پل دوم آسیا - اروپا و اتصال آن به خط آهن قزاقستان (امیدوارنیا، ۱۳۷۷: ۷۶-۷۸).

این ملاحظات از جانب چین باعث شده است، روابط گسترده‌ای با اعضای اکو داشته باشد و هم از لحاظ اقتصادی و هم سیاسی باعث رشد این کشورها گردیده و در نهایت به همگرایی در اکو کمک کند. ولی چین از سوی دیگر مرکز ثقل سازمان شانگهای می‌باشد که اگر این سازمان در نقش رقیب اکو عمل کند می‌تواند نقش منفی در همگرایی اکو ایفا کند.

اسرائیل: اسرائیل به عنوان یک قدرت اثرگذار در منطقه در جهت سیاست ضد ایرانی خود، به علت حمایت ایران از اسلام‌گرایان، انتفاضه فلسطین، حزب الله لبنان و مخالفت بیش از دو دهه با اسرائیل، نگران رشد همگرایی منطقه‌ای اکو تحت تأثیر سیاست ایران می‌باشد. اسرائیل از برنامه‌های اتمی ایران و پاکستان ناخشنود است و از همکاری دوکشور احساس نگرانی می‌کند. بنابراین فشار شدیدی به مسکو وارد می‌کند تا از همکاری با ایران دست بردارد. ضمن اینکه از طریق لابی یهودیان آمریکا، واشنگتن را به فشار آوردن به ایران و روسیه ترغیب می‌کند. بنابراین در راستای سیاست‌های دور کردن روابط کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و ترکیه از ایران با آنها روابط نزدیکی برقرار نموده است و در همه این کشورها سفارتخانه دارد. و کمک‌های اقتصادی و نظامی زیادی به این کشورها اعطا می‌نماید. اسرائیل از سال ۱۹۹۶ یک توافقنامه نظامی و امنیتی با آنکارا امضاء نموده است (بجنوردی، ۱۳۷۷: ۲۴۹). میزان مبادلات اسرائیل و ترکیه نیز سود هنگفتی به ترکیه می‌رساند. جمهوری‌های آسیای مرکزی و آذربایجان نیز همکاریها زیادی در زمینه‌های تجاری و صنعتی مختلف با اسرائیل دارند. با توجه به نفوذ ترک‌ها در منطقه، اسرائیل کوشیده است در زمینه سرمایه‌گذاری با ترکیه شریک شود و از این طریق آسان‌تر به این جمهوری‌ها راه پیدا کند (ملکی، ۱۳۷۷: ۵۳).

نقش قدرتهای اثر گذار برون منطقه‌ای یا رقابتهای ژئوپلیتیک در آ.سه. آن

آمریکا: نقش ایالات متحده آمریکا، در تحکیم رژیمهای کشورهای منطقه آ.سه. آن، کمک‌های مالی واشنگتن و ورود سرمایه‌های غربی به آن منطقه، در همگرایی منطقه‌ای تأثیر مثبت گذاشته است. کمک‌های مالی آمریکا به خصوص به اندونزی و تحکیم سیاست «نظم نوین» سوهارتو بعثت گرایش به غرب در سیاست جاکارتا، حضور گسترده آمریکا در فیلیپین با داشتن دو پایگاه سوبیک و کلارک، پیوندهای تاریخی آمریکا با کشور تایلند و تبدیل این کشور به دژ نظامی محکم در مقابله با نفوذ کمونیسم در منطقه، اراده آمریکا در سرپانگه داشتن رژیم حاکم بر سنگاپور و سرازیر شدن سرمایه‌های آمریکایی و اروپایی در تحکیم رژیم «لی کوان یو» در سنگاپور، در گرایش به همکاری میان کشورهای مؤسس اتحادیه آ.سه. آن تأثیر مثبت داشته و روند همگرایی را تداوم بخشیده است.

ایالات متحده آمریکا، در کشورهای مؤسس آ.سه. آن، از نفوذ بالایی برخوردار است. سنگاپور به لحاظ کمک‌های مالی و نظامی ایالات متحده رابطه بسیار نزدیکی با آمریکا دارد، و ایالات متحده را بازوی اصلی حفظ ثبات منطقه‌ای معرفی کرده است و از حضور نیرومند ایالات متحده در منطقه قویاً طرفداری می‌کند. در همین راستا تأسیسات و تسهیلات بندری و هوایی قابل توجهی را در اختیار نیروهای آمریکای قرار داده است. سنگاپور یکی از اعضای جنبش عدم تعهد می‌باشد، اما گرایش شدیدی به بلوک غرب دارد. سنگاپور کوشیده است مثلث آمریکا، چین و ژاپن، را برای ایجاد توازن در منطقه مستحکم کند. این کشور در اجرای اصول سیاست خارجی خود پیوسته هماهنگ با آمریکا عمل می‌کند.

خطر نفوذ کمونیسم و ظهور بنیادگرایی اسلامی، مسائلی هستند که ایالات متحده را در سالهای اخیر در منطقه آسیای جنوب شرقی درگیر نموده است. ایالات متحده در طول جنگ سرد با کمک‌های مالی و نظامی خود به کشورهای منطقه و تلاش در حل

اختلافات مرزی و عقیدتی آنها سعی می‌نمود و از عواملی که آ.سه.آن را در برابر کمونیسیم تضعیف می‌نمود، جلوگیری بعمل آورد. در سالهای اخیر بنیادگرایی اسلامی نقش کمونیسیم سابق را ایفا نموده است. با بروز حوادث یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ آمریکا در این زمینه، هزینه‌های بسیاری را صرف نموده است. فیلیپین نیز، همچون سنگاپور و بقیه کشورهای آ.سه. آن در اجرای اصول سیاست خارجی همگام با ایالات متحده عمل می‌کند.

از آنجایی که اتحادیه آسه آن در آن حدی نیست که از لحاظ رقابت اقتصادی بتواند با غرب رقابت نماید و از لحاظ ایدئولوژیک نیز تاکنون تعارض خاصی با غرب نداشته است؛ کمک‌های آمریکا به منطقه در جهت همگرایی منطقه بوده است نه واگرایی. حرکت آمریکا در از سرگیری روابط با ویتنام و لائوس و تغییر تدریجی در سیاست کلی آمریکا بعد از جنگ سرد مبنی بر تقویت روابط با دشمنان سابق آن کشور در منطقه، با لغو تحریم علیه این کشورها و برقراری روابط در جهت بهره‌برداری از بازارهای این دو کشور و همچنین درخواست کشورهای اتحادیه آ.سه. آن در جهت بهبودی روابط آمریکا با کشورهای منطقه بعد از فروپاشی شوروی و از سوی دیگر تمایل به دریافت کمک‌های مالی در جهت بازسازی اقتصادی از جانب کشورهای لائوس و ویتنام موجب توسعه روابط در منطقه شده است؛ که نشانگر بروز زمینه‌های همگرایی بین دو بلوک متخاصم دوران جنگ سرد می‌باشد.

آ.سه.آن یکی از شرکای اصلی آمریکا تلقی می‌شود. حجم روابط تجاری ایندو در سال ۱۹۹۶ بالغ بر ۸۰ میلیارد دلار برآورد گردید و آ.سه.آن چهارمین شریک تجاری آمریکا بعد از کانادا، ژاپن و مکزیک محسوب می‌شود. همچنین ایالات متحده در نشست‌های آ.سه.آن حضور دارد و نقش آمریکا در آپک نیز قابل توجه است (ASEAN Website, ASEAN-US DIALOGUE Relations).

روسیه: بعنوان یکی از قدرتهای اثرگذار خارجی، چه در دوره اتحاد شوروی (جنگ سرد) و چه در دوره بعد از فروپاشی بلوک شرق به همگرایی در کشورهای منطقه کمک نموده است. در دوران جنگ سرد نفوذ کمونیسم شوروی به عنوان یک تهدید منطقه‌ای و حمایت شوروی از ویتنام شمالی به عنوان قدرت خطرناک منطقه برای کشورهای مؤسس اتحادیه آ.سه. آن موجب شد، این کشورها اختلافات خود را کنار گذاشته و برای دفع یک تهدید مشترک با هم همکاری نمایند.

با فروپاشی شوروی و روی کارآمدن سیاست جدید حتی در سالهای آخر دهه ۱۹۸۰، و قطع کمک‌های اتحاد شوروی به کشورهای کمونیست و همچنین کشورهایی که سیاست دوری از بلوک غرب را اتخاذ نموده بودند، باعث شد این کشورها سیاست گرایش به غرب و اتحادیه آ.سه. آن را اتخاذ نمایند. جهت‌گیری جدید هم‌پیمانان شوروی سابق عمدتاً به دلیل مشکلات و معضلات بزرگ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بود. از طرف دیگر روسیه نیز به دلیل مشکلات اقتصادی قادر به پاسخگویی درخواست این کشورها نبود.

هم اکنون روسیه وضعیت "شریک گفتگوی کامل" با آ.سه. آن را دارد. در سال ۲۰۰۳، بین آ.سه. آن و روسیه توافقنامه "مشارکت برای صلح و توسعه در منطقه پاسفیک" امضا شد. در سال ۲۰۰۴، روسیه به "پیمان مودت و همکاری آ.سه. آن" ملحق شد. ولی روابط تجاری دو کشور از ۲ تا ۳ میلیون دلار تجاوز نکرده است (ASEAN Website, ASEAN-RUSSIA DIALOGUE ELATIONS). روسیه به دلیل مشکلات عدیده داخلی و بعد جغرافیایی با آ.سه. آن نقش مهمی در تحولات منطقه ایفا نمی‌کند.

ژاپن: همکاری کشورهای آ.سه. آن با ژاپن باعث افزایش سطح قدرت اقتصادی اتحادیه شده و تاثیر بسیاری در همگرایی داشته است. ارتباط ژاپن و آ.سه. آن در سالهای اخیر گسترش چشمگیری داشته است. این ارتباط هم در زمینه‌های اقتصادی و

سرمایه‌گذاری و هم در زمینه‌های سیاسی- امنیتی و فرهنگی در طی دهه ۱۹۹۰ همچنان رو به افزایش بوده است. با پایان یافتن نظام دو قطبی و تغییرات ساختاری در نظام بین‌المللی، ارتباط آ.سه.آن و ژاپن در آسیا-اقیانوسیه بر اساس منافع مشترک شکل جدیدی به خود گرفت، اکنون همکاری نزدیک ژاپن و اتحادیه آ.سه.آن در چندین محور عمده از جمله مجمع اقتصادی آ.سه.آن-ژاپن، همکاری وزرای اقتصادی و صنعت دو طرف، طرح‌های هاشیموتو، آبوچی و میازاوا و اجلاسهای سران و وزرای آ.سه.آن-ژاپن تجلی نموده است.

ژاپن از طریق سرمایه‌گذاری و کمک‌های مالی و فنی به کشورهای اتحادیه آ.سه.آن باعث افزایش رشد اقتصادی و حل بحرانهای اقتصادی در این کشورها شده و از این بابت به همگرایی در منطقه کمک بسیاری نموده است. قرار است که تا سال ۲۰۱۲ بین آ.سه.آن و ژاپن رابطه منطقه آزاد تجاری ایجاد گردد. بر اساس آمار ۲۰۰۳، ژاپن ۳/۵۰ میلیارد دلار صادرات به منطقه و ۵۸ میلیارد دلار واردات از منطقه داشته است. همچنین سرمایه‌گذاری مستقیم ژاپن در منطقه در ۲۰۰۳ بالغ بر دو میلیارد دلار برآورد گردید (ASEAN Website, ASEAN-JAPAN DIALOGUE (RELATIONS).

چین: در دوران جنگ سرد هر چند چین با ایالات متحده به توافقهایی رسیده بود و کشورهای اتحادیه آ.سه.آن بعضاً با چین مراوداتی بعمل می‌آوردند؛ اما اکثر این کشورها تا سال ۱۹۹۱ روابط خود را با چین به حالت تعلیق در آورده بودند. در این دوران چین مثل شوروی به عنوان حامی کمونیسم منطقه، در قالب همان سیاست مقابله با نفوذ کمونیسم کشورهای منطقه آسیای جنوب شرقی را بیشتر بهم نزدیک می‌کرد. روابط چین با آ.سه.آن در زمینه‌های مختلف باعث شده است، طرفین در دهه ۹۰ از حالت تخاصم به یک همکاری سازنده روی آورند، که به روند همگرایی در منطقه کمک بسزایی خواهد نمود.

همکاری دانشمندان آ.سه.آن و چین در مورد برنامه‌ها و پروژه‌های مشترک، تشکیل گروه کاری برای کار بر روی مبادلات تجاری و سرمایه‌گذاری‌های مشترک از جمله موارد نزدیکی چین و کشورهای اتحادیه آ.سه.آن بهم می‌باشد. کشورهای آ.سه.آن در سال ۱۹۹۶ به چین وضعیت " گفتگوی کامل " دادند. رهبران چین و آ.سه.آن در اجلاس ۲۰۰۳ بالی توافقنامه " مشارکت استراتژیک برای صلح و سعادت " امضا کردند. چین همچنین آمادگی خود را برای الحاق به پروتکل "منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای آسیای جنوب شرقی" اعلام کرد. غیر از موارد فوق، یکی از شاخص‌های روشن در حسن روابط اتحادیه آ.سه.آن و چین همکاری‌های اقتصادی بوده است. در سال ۲۰۰۳، کشورهای آ.سه.آن ۳/۴۷ میلیارد دلار صادرات به چین و ۹/۳۰ میلیارد دلار واردات از این کشور داشتند که گرمی روابط ایندو را نشان می‌دهد. همچنین مقرر گردید که تا سال ۲۰۱۰ بین چین و آ.سه.آن منطقه آزاد تجاری ایجاد گردد (ASEAN website, ASEAN-CHINA DIALOGUE) (RELATIONS).

نتیجه‌گیری

فلسفه ایجاد آ.سه. آن و اکو بسیار به یکدیگر شبیه است، هر دو سازمان با هدف دوری جستن از کمونیسم و با تشویق غرب تأسیس و تداوم یافتند. ولی پویایی این دو سازمان در طول زمان تا حدودی متفاوت بوده است. در مجموع کارنامه آ.سه. آن در ابعاد مختلف خصوصاً بعد اقتصادی درخشان‌تر از اکو است. با این وصف هر دو سازمان برای رسیدن به سطوح بالای همگرایی راه بس درازی در پیش دارند. از جهت انسجام اجتماعی، اکو امتیازات بیشتری در جهت همگرایی دارد، تکثر اجتماعی در آ.سه. آن به مراتب بیشتر از اکو است. ولی از جهت انسجام سیاسی، اقتصادی و سازمانی موقعیت آ.سه. آن بهتر است. هرچند در منطقه آ.سه. آن دیدگاه‌های سیاسی متفاوتی وجود دارد، ولی شکاف سیاسی در اکو به مراتب بیشتر است. تفاوت

دیدگاه‌های سیاسی کشورهای عضو اکو، اراده سیاسی این دولتها را برای تقویت اکو متزلزل کرده است. با این حال دیدگاه‌های سیاسی کشورهای اکو به آن شدت نیست که در مسیر همکاری اقتصادی خلل اساسی وارد کند، ولی شاید در فرایند همگرایی تأخیر ایجاد نماید. در بعد اقتصادی، عملکرد آ.سه. آن بهتر از اکو بوده است؛ شاید این به خاطر موقعیت ژئوپلیتیک آ.سه. آن باشد که کشورهای منطقه را به همکاری بیشتر تشویق کرده است. شاخص‌های اقتصادی خصوصاً الگوی تجارت درون منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی درون منطقه‌ای و تمهیدات نهادی جهت همکاری اقتصادی در آ.سه. آن پیشرفت بهتری داشته است. ولی استراتژی آ.سه. آن و اکو و نقشه راه آنها برای آینده بسیار به یکدیگر شبیه است. هر دو سازمان چارچوب سیاستی برای رسیدن به اولین فاز همگرایی، یعنی "منطقه آزاد تجارت" که تعرفه‌های تجاری درون منطقه‌ای به صفر می‌رسد، را تعریف کرده‌اند و یک افق زمانی ۱۵ ساله را برای رسیدن به این هدف پیش‌بینی کرده‌اند. ولی در عمل آ.سه. آن بسیار جلو افتاده است. این نشان می‌دهد که هر دو سازمان برای رسیدن به موقعیتی چون اتحادیه اروپا راه بس درازی در پیش دارند. شاید یکی از دلایل اصلی پیشرفت شاخص تجارت درون منطقه‌ای در آ.سه. آن کارآیی بخش خصوصی در این منطقه است، در حالیکه در غالب کشورهای اکو، بخش دولتی غالب است و این فرایند تبادلات اقتصادی را دچار کرختی و ضعف می‌کند. بنابراین اصلاحات ساختاری و گرایش بیشتر به اقتصاد بازار در کشورهای اکو، فرایند همگرایی این سازمان را تقویت می‌کند. در هر دو منطقه، مزیت‌های نسبی برای همکاری اقتصادی وجود دارد، ولی در آ.سه. آن این مزیت‌ها بیشتر شناخته شده است. مهمترین مزیت نسبی در اکو، همکاری در زمینه شبکه حمل و نقل است که ایران در قلب این شبکه قرار دارد. متأسفانه به دلیل ضعف زیرساختهای سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، این شبکه پیشرفت چشمگیر برای به هم پیوندی کشورهای منطقه نداشته است. بنابراین لازم است که مشارکت شرکتهای خارجی جهت

سرمایه‌گذاری در شبکه حمل و نقل اکو، خصوصاً ایران، توجه بیشتری گردد. در بعد انسجام سازمانی، وفاداری سازمانی در آ.سه. آن بیشتر از اکوست؛ در واقع در منطقه آ.سه. آن سازمانهای تجاری رقیب وجود ندارد، در حالیکه در اکو وفاداری سازمانی کشورهای عضو کم‌رنگ است. با اینحال، کشورها براساس محاسبه سود و هزینه به سازمانهای تجاری گرایش پیدا می‌کنند؛ اگر اکو ثابت کرد که برای اعضا سود و منفعت بیشتری در پی دارد، قطعاً اعضا به آن گرایش بیشتری نشان خواهند داد. از نظر ماهیت ارتباطات، کشورهای اکو پیشرفت‌هایی داشته‌اند که شاخص آن می‌تواند احداث پروژه خط آهن سراسری قزاقستان - ایران - ترکیه باشد که تقریباً کشورهای اکو را به همدیگر پیوند می‌دهد، ولی تشریفات گمرکی و صدور ویزا فرایند ارتباط را میان این کشورها با تأخیر مواجه می‌کند. هرچند کشورهای اکو توافق کردند که حداقل تسهیلات صدور ویزا برای بازرگانان کشورهای عضو با تأخیر کمتری صورت گیرد، ولی در عمل کماکان مشکلات صدور ویزا نقش بازدارنده ایفا می‌کند. تجربه ایران و ترکیه نشان داد که حذف ویزا نقش مهمی در ارتباطات مردمی کشورها ایفا می‌کند، بنابراین حذف ویزا می‌تواند گام مؤثری در تقویت ساختار ارتباطات کشورهای عضو داشته باشد. کشورهای آ.سه. آن نه تنها پیش نویس توافقنامه حذف ویزا را امضاء کردند، بلکه رفت و آمد اتباع این کشورها به یکدیگر راحت‌تر از اکو صورت می‌گیرد. در واقع تسهیلات نهادی برای رفت و آمد بخش خصوصی در آ.سه. آن پیشرفته‌تر از اکو است. در بعد راههای مواصلاتی، هرچند کشورهای اکو بیش از آ. سه. آن احتیاج به چنین جاده‌هایی دارند، ولی کشورهای آ.سه. آن از این جهت جلوتر از اکو هستند. از جهت ساختار روابط، هر دو سازمان در وضعیت تعادل قرار دارند؛ یعنی کشورهای عضو تجربه خشونت نظامی شدید علیه یکدیگر نداشتند. در بعد دخالت قدرتهای خارجی به دلیل تفاوت موقعیت ژئوپلیتیک این دو منطقه، قدرتهای بزرگ گرایش بیشتری به مداخله در منطقه اکو از خود نشان داده‌اند. نفت و مسائل مربوط به آن مثل

تولید، خطوط لوله و کنترل این کالای استراتژیک ذهن بسیاری از سیاست‌سازان را در واشنگتن، پایتخت‌های اروپایی و همچنین مسکو به خود مشغول ساخته است. آسیای مرکزی منطقه‌ای است که آمریکا نه تنها به خاطر نفت بلکه به علت دلایل ژئوپلیتیکی خود را متعهد به دفاع از آن می‌داند. منافع قدرتهای بزرگ جهان با منافع ایران در افغانستان، آسیای مرکزی و قفقاز همخوانی ندارد و این امر عامل منفی در فرایند همگرایی اکو ایفا می‌نماید. با این وصف، به دلیل حاکمیت حزب اسلام‌گرا در ترکیه که قطب اصلی اکو است و روابط مثبت این حزب با جمهوری اسلامی ایران و صف‌بندی سیاسی اکثر کشورهای اکو در پشت سر ترکیه، این امر دخالت منفی قدرتهای خارجی را در منطقه کمرنگ می‌کند. علی‌ایحال، اگر اکو در برنامه‌های اقتصادی خود موفق عمل کند دخالت منفی قدرتهای خارجی تحت الشعاع آن قرار خواهد گرفت. ژئوپلیتیک آ.سه.آن به گونه‌ای است که قدرتهای بزرگ در آنجا دچار درگیری منافع نیستند. از طرف دیگر، کشورهای آ.سه.آن نیز با منافع قدرتهای بزرگ رقابت و تضاد ندارند و این امر نقش قدرتهای بزرگ را در همگرایی آ.سه.آن مثبت کرده است.

منابع و مأخذ

- ۱- آلیکر، اولگا و ساینه، تامس (۱۳۸۲). گسل‌های منازعه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، ترجمه محمد رضا گلشن پژوه و دیگران، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی، ابرار معاصر تهران.
- ۲- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌اله (بهار ۱۳۸۴). "تداوم اقتدارگرایی در آسیای مرکزی". مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ش ۶۷.
- ۳- امیدوار نیا، محمد جواد (تابستان ۷۷). "ملاحظات امنیتی چین در آسیای مرکزی". فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۲۲.
- ۴- امید، علی (۱۳۷۴). تاثیر فروپاشی شوروی بر ژئوپلیتیک ایران. رساله کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل. دانشگاه تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- ۵- بجنوردی، سید محمود موسوی (تابستان و پاییز ۱۳۷۷). "روابط ترکیه و اسرائیل؛ زائیده مخاطرات منطقه‌ای". فصلنامه خاورمیانه. ش ۱۴-۱۵.
- ۶- بروجردی، محمد (۱۳۸۰). کتاب سبز آ. سه. آن. تهران: وزارت امور خارجه.
- ۷- بصیری، محمدعلی و ایزدی زمان آبادی، مژگان (زمستان ۱۳۸۳). "اهداف سیاست خارجی آمریکا در آسیای مرکزی". فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. ش ۴۸.
- ۸- ترنیکف، ا. ا. و گلو شنگو، یو. ان. (بهار ۱۳۷۸). "ابعاد سیاست آمریکا در مورد کشورهای مستقل مشترک المنافع". ترجمه پروین معظمی گودرزی. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. ش ۲۵.
- ۹- حافظ‌نیا، محمدرضا و کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۳). افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی. تهران: سمت.
- ۱۰- حافظ نیا، محمد رضا و رومینا، ابراهیم (۱۳۸۴). "تحول روابط ایران و عربستان و تاثیر آن بر ژئوپلیتیک خلیج فارس". فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. ش ۷۷.
- ۱۱- رحمانی، منصور (تابستان ۱۳۷۷). "توسعه نقش امنیتی ناتو و سازمان امنیت و همکاری اروپا در آسیای مرکزی و قفقاز". فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. ش ۲۲.
- ۱۲- روزنامه خراسان (۱۳۷۹ / ۳ / ۷۹). "اکو؛ صاحبان نیمی از ثروت جهان نا موفق در برنامه ریزی و اجرا".
- ۱۳- سحرخیز، علی‌اصغر (۱۳۸۳). "آسیای مرکزی و قدرت‌های بزرگ؛ تحول سپر شمالی". فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. برگرفته از:
<http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=pp00020042608231609>
- ۱۴- کتاب سبز اکو (۱۳۷۷). گرد آوری و تنظیم دفتر امور اکو، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۱۵- ملکی، قاسم (پاییز ۱۳۷۶). "آیا دوستی خرس و اژدها امکان پذیر است؟" فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. ش ۱۹.
- ۱۶- ملکی، محمد رضا (زمستان ۱۳۷۷). "روابط ترکیه و اسرائیل و آثار آن در آسیای مرکزی و قفقاز". فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. ش ۲۴.
- ۱۷- نادعلی زاده، یزدان (زمستان ۱۳۷۷). "سیاست فرانسه در قبال کشورهای مستقل مشترک المنافع". فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۲۴.

- 18- ASEAN Profile: Association of South-East Asian Nations, from http://news.bbc.co.uk/2/hi/asia-pacific/country_profiles/4114415.stm
- 19- ASEAN Website, Overview of Politics and Security, from : <http://www.aseansec.org/92.htm>
- 20- ASEAN Website, External Relations, from: <http://www.aseansec.org/4918.htm>
- 21- ASEAN Website, Meetings and Events, from: http://www.Aseansec.org/meetings_events.htm
- 22- ASEAN Website, tourism, from: <http://www.aseansec.org/7299.htm>
- 23- a <http://www.aseansec.org/7299.htm>mses23
- 24- ASEAN Website, ASEAN-US DIALOGUE RELATIONS, from: <http://www.aseansec.org/5928.htm>
- 25- ASEAN Website, ASEAN-RUSSIA DIALOGUE RELATIONS, from: <http://www.aseansec.org/5922.htm>
- 26- ASEAN Website, ASEAN-JAPAN DIALOGUE RELATIONS, from: <http://www.aseansec.org/5740.htm>
- 27- ASEAN Website, ASEAN-CHINA DIALOGUE RELATIONS, from: <http://www.aseansec.org/5874.htm>
- 28- Cantori, Luis J. & Spiegel, Steven L.(1970).The International politics of Regions. New Jersey: Prentice Hall, Englewood Cliffs.
- 29- Dennis ,David J. & Yusof ,Zainal Aznam(2003). Developing Indicators of ASEAN Integration–A Preliminary Survey for a Roadmap, from: http://www.ausaid.gov.au/publications/pubout.cfm?ID=3082_6586_6994_2657_9229
- 30- Eco Website, Press Releases, from: <http://www.ecosecretariat.org/MainMenu/PressReleases.htm>
- 31- Eco Website, Macroeconomic overview of ECO countries (2003).from: http://www.ecosecretariat.org/ftproot/Publications/Annual_Economic_Report/Hagman,B.,”Geopolitics”,from: www.algonet.se/~jman/bertil/geous.html
- 32- Klare, Michael(2003). The New Geopolitics, from: <http://www.monthlyreview.org/0703klare.htm>
- 33- Wikipedia, the online free encyclopedia,”South East Asia”.from: http://en.wikipedia.org/wiki/Southeast_Asia.
- 34- Wikipedia, the online free encyclopedia, “Geopolitics”. from: <http://en.wikipedia.org/wiki/Geopolitics>
- 35- WTO, World Trade Statistics(2003), From: <http://www.bpd.ir/tahlil.asp>